



روش‌های نوپدید در مطالعات میان رشته‌ای اسلامی؛ کاربست روش دلالت پژوهشی در مطالعات مدیریتی قرآنی

فاطمه رحمانی^۱

تحول علوم انسانی از طریق جنبش نرم‌افزاری و نظریه‌پردازی، ضرورتیست که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است؛ لازمه این تحول، رجوع به منابع اصیل و ارزشمند قرآن و حدیث می‌باشد، چرا که بر اساس کلام معصوم (ع) و آیات متعددی از قرآن کریم، اصولومبانیکیه علوم از قرآن قابل برداشت است؛ استفاده روش‌مند و اصولی از قرآن کریم برای نظریه‌پردازی در علوم انسانی نیز مسئله مهم دیگری است که باید به آن توجه ویژه‌ای شود تا پژوهشگر در ورطه هولناک تفسیر به رأی و التقاط غوطه ور نشده و نظریه‌ای به واقع برآمده از قرآن تدوین کند (نه اینکه نقابی قرآنی بر نظریات غربی بزند).

واقعیت آنست که قرآن و سایر کتب آسمانی به صورت مستقیم به همه موضوعات مطرح در رشته‌های مختلف نپرداخته و این پژوهشگران هستند که باید با روشهای دقیق و اصولی به فهم و کشف دلالت‌های قرآنی در حوزه‌های مختلف رشته‌ای خود بپردازند؛ روش دلالت‌پژوهی این امکان را به پژوهشگران می‌دهد که به صورت مدون، علمی و سیستماتیک به کشف دلالت‌های قرآنی در حوزه علمی مورد نظر خود پرداخته و از این رهگذر حوزه مدنظر خود را بسط، تدقیق، بهبود و غنا بخشند.

این روش که شامل ۴ گام کلی: «۱- یافتن ایده‌های کلیدی؛ ۲- اعتبارسنجی ایده‌های کلیدی؛ ۳- تعیین دلالت‌های مناسب؛ ۴- اعتبارسنجی دلالت‌ها» و ۱۱ گام جزئی می‌باشد؛ در حوزه مدیریت این امکان را فراهم می‌کند تا پژوهشگران به بررسی دلالت‌های قرآنی در حوزه‌های مختلف (مانند مدیریت منابع انسانی، مدیریت اداره امور عمومی، رفتار سازمانی و...) بپردازند؛ در این مقاله سعی داریم کاربرد این روش را در مطالعات مدیریتی قرآنی بررسی کنیم.

واژگان کلیدی: روش دلالت پژوهی، قرآن، مطالعات میان‌رشته‌ای، علوم انسانی اسلامی، مدیریت اسلامی، تحول علوم انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱-دکتری مدیریت دولتی؛ پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس



۱- مقدمه

بحث تحول علوم انسانی بر اساس فرمایش و مطالبه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبنی بر ایجاد تحول در علوم انسانی از طریق جنبش نرم‌افزاری و نظریه پردازی، مدتهاست که مطرح شده است. علوم انسانی، علوم هدایت و رهبری جامعه است، در واقع به واسطه علوم انسانی است که می‌توان در مسیر الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت گام نهاد، و نه تنها به اصلاح سبک زندگی و اسلامی کردن آن در کشور، بلکه در مقیاسی بزرگتر به ایجاد تمدن اسلامی جهانی دست یافت.

زمانی که بحث تحول در علوم انسانی مطرح می‌شود، این گزاره به ذهن متبادر می‌شود که تحول در علوم انسانی با تحول در متون پژوهش همراه است؛ به عبارت بهتر اگر قصد تحولی عظیم، عمیق و متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی‌مان در علوم انسانی را داریم باید در متون این علوم تحولاتی رخ دهد، چرا که مهمترین ماموریت علوم انسانی تغییر انسان است، این علوم، انسان مطلوب را معرفی می‌کند و سپس با توصیف انسان تحقق یافته به دنبال تغییرش می‌رود؛ دین آسمانی و الهی نیز با معرفی انسان مطلوب و باید و نبایدهای انسانی، می‌کوشد تا انسان‌های موجود و تحقق یافته را تغییر داده و به انسان مطلوب برساند؛ انسانی که قرب الهی یافته و به سعادت حقیقی رسیده است؛ به عبارت بهتر باید گفت که علوم انسانی غربی، تنها درصدد شناخت ساخت ملکی انسان تحقق یافته با رویکرد تجربی-عقلی بوده و سعی در تغییر انسان تحقق یافته به ساحت دیگر ملکی است؛ درحالی‌که دین الهی به دنبال تغییر انسان تحقق یافته به انسان مطلوب ملکوتی و مقرب به جبروت الهی است (خسروپناه، ۱۳۹۲)؛ در واقع می‌توان گفت که از نظر قرآن، هدف از خلقت انسان در عالم، رسیدن به کمال و نیل به مقام خلیفه‌اللهی است و رسیدن به کمال و مقام خلیفه‌اللهی از طریق توجه و تربیت انسان قابل احصاء می‌باشد؛ بنابراین علوم انسانی اسلامی، علی‌رغم علوم انسانی غربی، علم تربیت انسان و تغییر انسان و الهی شدن وی است که جزء در سایه تعلیمات انسان نوشته شده (قرآن) میسر نمی‌شود؛ بنابراین برای تحول در علوم انسانی باید در متون مورد تحقیق آن تحولی ایجاد شود؛ و این تحول جز در سایه رجوع این علوم به متون مقدس اسلامی و بویژه قرآن نخواهد بود.

استفاده روش‌مند و اصولی از قرآن کریم برای نظریه پردازی در علوم انسانی نیز مسئله مهم دیگری است که باید به آن توجه ویژه‌ای شود تا پژوهشگر در ورطه هولناک تفسیر به رأی و التقاط غوطه ور نشده و نظریه‌ای به واقع برآمده از قرآن تدوین کند (نه اینکه نقابی قرآنی بر نظریات غربی بزند)؛ برای مثال باید گفت که در حوزه‌هایی مانند: «دین چه حرفی برای حکومتداری، خط مشی‌گذاری، آرامش روانی، تعامل حکومت و روابط اجتماعی، روابط بین‌الملل و... دارد؟»؛ روش پژوهش باید چگونه باشد. واقعیت آن است که قرآن و سایر کتب آسمانی به صورت مستقیم به همه موضوعات

۱ و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ /

بقره ۳۰

۲ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيزَكِّيهِمْ وَيعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (سوره جمعه / ۲)
وَيزَكِّيهِمْ وَيعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيعَلِّمُهُمْ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْلَمُونَ (بقره ۱۵۰)



مطرح در رشته‌های مختلف نپرداخته‌اند؛ و این وظیفه پژوهشگران است که با استفاده از روشی‌هایی مناسب و نظامند به کشف دلالت‌های قرآن در حوزه مد نظر خود بپردازند.

در حوزه مدیریت، روش‌های متعددی برای پژوهش وجود دارد که پژوهشگر باید متناسب با موضوع پژوهشی خود از آنها استفاده کند به عنوان مثال اگر پژوهشگر بخواهد بداند شهروندان تا چه حد نسبت به خدمات عمومی رضایت دارند احتمالاً از پیمایش استفاده خواهد کرد؛ اما اگر بخواهد با اتکا به تجربه مشترک کارکنان سازمان الف فرآیند رخداد بی تفاوتی کارکنان را تئوریزه کند، احتمالاً مناسبترین روش پژوهش «طرح نظریه داده‌بنیاد» خواهد بود؛ اگر بخواهد فرهنگ مشترک یک گروه را فهم کند و به صورخاصیت رسیم کند احتمالاً از قوم نگاری استفاده خواهد کرد؛ اگر بخواهد نظام معنایی افراد پیرامون یک مفهوم، کالاها، خدمات، یک خط مشی عمومی احصا کند، احتمالاً از شبکه خزان استفاده خواهد کرد؛ اگر بخواهد گونه‌شناسی‌ای از ذهنیت‌های مختلف پیرامون یک موضوع را ارائه دهد احتمالاً از روش کیو استفاده خواهد کرد، اگر بخواهد موردی را به تفصیل واکاوی کنید احتمالاً از پژوهش مطالعه موردی استفاده خواهد کرد، اگر بخواهد جوهره یک تجربه از منظر افراد را احصا کنید از پدیدارشناسی بهره خواهید گرفت، اما اگر بخواهد سوالاتی مانند سوالات زیر پژوهش کند:

- ✓ عقلانیت قرآنی چهره نمودی برای خطمشی‌گذاری عمومی دارد؛
- ✓ فلسفه اسلامی چه دلالت‌هایی برای مدیریت دولتی دارد؛
- ✓ رئالیسم انتقادی چگونه در پژوهش‌های مدیریتی خود را متجلی می‌کند؛
- ✓ نظریه حرکت جوهری ملاصدرا چهره نمودی برای نظریه پردازی مطالعات سازمان و مدیریت دارد،

وی باید از چه روش پژوهشی استفاده کند؛ روش پژوهش مناسبی برای سوالات بالا که در حوزه مدیریت اسلامی مطرح است، وجود ندارد؛ روش پژوهش دلالت‌پژوهی که توسط دکتر حسن دانایی فرد^۱ در سال ۱۳۹۵ مطرح شده است، روشی است که می‌تواند برای مطالعات قرآنی مدیریتی مورد استفاده قرار گیرد، نویسنده این روش را در رساله دکتری خود تحت عنوان «دلالت‌های قرآنی تعامل مردم-حکومت» بکار برده است، که در این مقاله سعی دارد چگونگی استفاده آن را در مطالعات مدیریتی قرآنی به تفصیل بیان کند.

۲- اهمیت روش دلالت‌پژوهشی

پژوهش‌های دلالت‌پژوهی شاه راه اصلی بسط و تدقیق، بهبود و غنا بخشیدانشبش ریاست. در حوزه علوم اجتماعی و مدیریت این پژوهش‌ها، نقش مهمی در توسعه دانش دارند. اصولاً بخش عظیمی از نوآوری در رشته‌های علوم اجتماعی به خاطر برگیری ایده‌های دیگر رشته‌هاست که تجلی پژوهش‌های دلالت‌پژوهی است. حوزه روانشناسی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، مدیریت و سازمان، مدیریت دولتی و خط مشی‌گذاری مملو از این مطالعات است. در عین حال، این پژوهش مختص اندیشمندانی است که قدرت اندیشیدن خلاق و پویا دارند؛ کسانی که در مرزهای دانش هر رشته حرکت می‌کنند و دچار دور باطل آزمون چند متغیر تکراری نیستند. پرستیژ و جایگاه علمی این پژوهش‌ها و همینطور

۱- دکتر حسن دانایی فرد استاد تمام رشته مدیریت دولتی در دانشگاه تربیت مدرس بوده که پس از پژوهش‌های بسیار، روش پژوهش دلالت‌پژوهشی را برای مطرح کردند؛ ایشان با این روش رساله‌های دکتری زیادی را راهنمایی کرده اند



پژوهشگران این نوع پژوهشها در مجامع علمی قابل توجه است و صف‌شکنان رشته ای را باید در این قبیل پژوهشها و از میان این قبیل پژوهشگران جست (دانایی فرد، ۱۳۹۵).

۳- مراحل روش پژوهش دلالت پژوهشی

روش‌شناسی اشاره به فرآیند انجام پژوهش دارد (کرسول، ۲۰۱۲) روش (یا در اصل شیوه) به ابزارهای مورد استفاده در مراحل مختلف اجرای روش‌شناسی اشاره دارد (دانایی فرد، ۲۰۱۲) نظر به اینکه در مراحل مختلف انجام پژوهش‌های دلالت پژوهی از شیوه‌های مختلفی می‌توان بهره گرفت عنوان روش‌شناسی برای آن انتخاب شده است. اگر چه تدقیق مراحل انجام در روش‌شناسی پژوهش اهمیت دارد، یعنی پژوهش باید مرحله به مرحله انجام شود ولی واقعیت این است که این فرآیند به صورت خطی غیرقابل برگشت انجام نمی‌شود؛ بلکه بین گام‌ها رفت و آمدهای متعددی شکل می‌گیرد تا نتیجه حاصله معتبر و قابل اتکاتر شود. روش‌شناسی دلالت پژوهی نیز گام‌هایی را طی می‌کند ولی این گامها خطی کامل نیست؛ بلکه مدام بین مراحل بده و بستان صورت می‌گیرد. این روش دارای یازده مرحله است که ذیلاً تشریح می‌شوند:

۱. تعیین مناسب بودن پژوهش دلالت پژوهی؛
۲. تعیین ماخذ احصا دلالتها برای پرداختن به مسئله پژوهشی؛
۳. تعیین فرآیندی برای واکاوی ابژه منتخب؛
۴. تعیین چارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهشی؛
۵. نمونه‌گیری نظری ابژه دلالت پژوهی؛
۶. احصای سهم‌یاری‌های ابژه دلالت پژوهی؛
۷. اعتبارسنجی سهم‌یاری‌های ابژه دلالت پژوهی؛
۸. متناسب‌سازی سهم‌یاری‌ها با چارچوب مفهومی موضوع عدالت پژوهی؛
۹. احصاء دلالت‌های مورد نظر؛
۱۰. اعتبارسنجی دلالت‌های احصایی؛
۱۱. تدوین گزارش پژوهش (دانایی فرد، ۱۳۹۵).

۴- انواع طرح‌های پژوهش دلالت پژوهی

همان‌طور که در روش‌شناسی داده‌بنیاد سه گونه بارز وجود دارد (نظام‌مند، برایشی، ساخت‌گرا)، در پژوهش‌های دلالت پژوهی نیز چندگونه متمایز برای انجام این پژوهش‌ها وجود دارد:

۴-۱- طرح پژوهش دلالت پژوهی نظام‌مند



در این طرح پژوهشی، پژوهشگر در ابتدا چارچوب مفهومی‌ای که به دنبال دلالت‌هایی از رشته، فلسفه، چارچوب، نظریه، مدل یا ایده‌های طرح‌شده در مجامع علمی است، به تفصیل طراحی می‌کند و سپس در مآخذ استقراض دلالت‌ها به دنبال یافتن دلالت‌هایی برای تک‌تک عناصر تشکیل‌دهنده آن چارچوب مفهومی می‌گردد. برای مثال برای احصای دلالت‌های علم پیچیدگی برای خطمشی‌گذاری عمومی، چرخه خطمشی‌گذاری را که مشتمل بر: (۱) تعیین و تعریف مسئله (۲) دستور کارگذاری (۳) فرموله کردن مسئله (۴) اجرای خطمشی (۵) ارزشیابی خطمشی (۶) تغییر خطمشی (۷) خاتمه خطمشی است را مبنای دلالت پژوهی خود از علم پیچیدگی قرار می‌دهد. در این حالت بین سهم‌یاری‌ها (نکات کلیدی علم پیچیدگی)، دلالت‌های هر سهم‌یاری برای تک‌تک عناصر چرخه خطمشی نوعی تناظر برقرار می‌شود. بیشتر مطالعات دلالت پژوهی بر این رویکرد متمرکزند، اما بعضاً رویکرد برایشی نیز وجود دارد (دانایی فرد، ۱۳۹۵).

۲-۴- طرح پژوهش دلالت پژوهی برایشی (نوظهور)

در این طرح پژوهشی یک سؤال کلی را مطرح می‌شود تا مشخص شود که مآخذ دلالت پژوهی چه دلالت‌هایی برای عرصه کلی وی (بگویی رشته یا حوزه مطالعاتی وی) دارد. برای مثال رئالیسم انتقادی چه رهنمودهایی یا دلالت‌هایی برای خطمشی‌گذاری عمومی دارد؟ بعد از مطالعه مشخص می‌شود که رئالیسم انتقادی برای فرآیند خطمشی‌گذاری، تحلیل خطمشی‌های عمومی و ارزشیابی خطمشی‌های عمومی دلالت‌هایی دارد ولی این دلالت‌ها و موضوع دلالت‌ها به صورت ناگهانی و ظهوری (برایشی) شکل می‌گیرند و چارچوب مفهومی اولیه‌ای از موضوع‌های دلالت‌ها مشخص نشده است (دانایی فرد، ۱۳۹۵).

اصولاً در مطالعات قرآنی از هر دو نوع طرح پژوهشی استفاده خواهد شد، بدین مفهوم که محقق در گام اول پس از مطالعه ادبیات در حوزه مربوطه خود چالش‌های آن حوزه را شناسایی کرده و در گام بعدی بر اساس این سؤالات و چالش‌ها به محضر قرآن مشرف می‌شود (تا اینجا از طرح پژوهشی نظام‌مند استفاده می‌شود)؛ اما پس از مطالعه قرآن و در مرحله کشف دلالت‌ها در حوزه‌های انتخاب‌شده، از روش نوظهور استفاده می‌شود؛ بدین مفهوم که دلالت‌ها به صورت نوظهور و بدون پیش فرضی از متن قرآن استخراج خواهند شد.

علت این نوع استفاده از روش دلالت‌پژوهشی (ابتدا استفاده از طرح نظام‌مند و متعاقباً استفاده از طرح نوظهور) این بود اگر بدون هیچ چارچوب و سؤالی به محضر قرآن مشرف می‌شدیم دچار سردرگمی شده و به دلالت‌های روشن و مشخصی نمی‌رسیدیم، بنابراین ابتدا با مسئله و سؤال و چارچوب وارد قرآن شدیم، اما در مرحله مطالعه عمیق‌تر قرآن و کشف دلالت‌ها اگر با چارچوب وارد می‌شدیم ممکن بود دچار التقاط^۱ شده و فقط به دنبال تأیید گرفتن از متن قرآن برای

^۱ قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت او (ع)، منابع اصلی و مهم فهم دین‌اند. به تعبیری، فهم مدیریت از دیدگاه اسلام نیز فهم سنت پیامبر است که فقط از طریق مراجعه کردن به قرآن، به منزله مبنا و نیز رصد سنت پیامبر (ص)، به مثابه جلوه احکام، و بی‌گیری سیره اهل بیت (ع) به منزله معرف و مفسر قرآن و سنت پیامبر (ص)، میسر می‌گردد. روش‌های دیگر پژوهش درباره مدیریت اسلامی، معمولاً به رصد شیوه‌های مدیریت مسلمانان یا تعمیم‌های التقاطی باورهای شبه اسلامی منجر می‌شود؛ این التقاط به سه گونه جلوه می‌کند؛ التقاط ایدئولوژیک که خاستگاه آن باورهای جزم آلود ایدئولوژی‌محور و غیر دینی است و التقاط علمی که خاستگاه آن باورهای حیرت‌زده شبه‌علمی است و التقاط در عمل که خاستگاه آن تجربه‌های فردی یا گروهی مسلمانان است. مدیریت اسلامی هنگامی مجال تعریف می‌یابد که از این التقاط سه‌گانه پیراسته باشد (پورعزت، ۱۳۹۱)



فرضیه‌های خود شویم؛ این بود که در این مرحله با ذهن باز به محضر قرآن مشرف شدیم تا بر اساس منطق و اصول و مبانی قرآن (که منطق منحصر به فرد خود را دارد) به کشف دلالت‌های متناسب با موضوع بپردازیم.

۵- گام‌های دلالت پژوهشی در مطالعات مدیریتی قرآنی

۱-۵- تعیین مناسب بودن روش‌شناسی دلالت پژوهی

روش‌شناسی دلالت پژوهی مناسب انجام پژوهش‌هایی است که در آن‌ها شما قصد دارید از سهمیاری‌های یک‌رشته، یک مکتب، یک فلسفه، یک نحله مطالعاتی، یک چارچوب، یک نظریه، یک مدل، یا یک ایده عام و بعضاً خاص رهنمودهای اولیه‌ای برای رشته یا حوزه مطالعاتی یا موضوع مطالعاتی خود احصا کنید (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵). در مطالعات مدیریتی قرآنی از آنجا که هدف احصا دلالت‌هایی از قرآن در حوزه مدیریتی خاص است، این روش مناسب خواهد بود؛ به عبارت بهتر باید گفت که روش دلالت‌پژوهی روشی مناسب برای احصا ایده‌ها، راهکارها، مدل‌ها، و چارچوب‌هایی از متن شریف قرآن در حوزه‌های مختلف مدیریتی مانند رفتار سازمانی، مدیریت منابع انسانی، اداره امور عمومی و ... خواهد بود.

۲-۵- تعیین مأخذ احصای دلالت‌ها

در روش‌شناسی دلالت پژوهی معمولاً یک مأخذ صادرکننده ایده و یک مأخذ واردکننده ایده وجود دارد. برای مثال نظریه سازمان واردکننده ایده‌های جامعه‌شناختی به درون حوزه مطالعاتی خود است. خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری (واردکننده) در پی کسب رهنمودهایی از رئالیسم انتقادی (صادرکننده) برای ارتقای کیفیت و ظرفیت است. توسعه منابع انسانی وام‌گیرنده ایده سرمایه اجتماعی برای استفاده از حوزه جامعه‌شناختی (وام‌دهنده) است. نظریه سازمان قرض‌کننده سهمیاری‌های پارادایم‌های فلسفی (قرض‌دهنده) در ابعاد و جوانب خود است. در پژوهش‌های مدیریتی قرآنی، مدیریت به‌عنوان واردکننده ایده و قرآن کریم به‌عنوان صادرکننده ایده می‌باشد؛ به عبارت بهتر باید گفت که در پژوهش‌های مدیریتی قرآنی پژوهشگران به دنبال کشف ایده‌ها، راهکارها و رهنمودهایی از قرآن بوده بنابراین قرآن به عنوان منبع «صادر کننده ایده» محسوب شده و حوزه‌های مختلف مدیریتی (مانند مدیریت منابع انسانی، اداره امور عمومی، رفتار سازمانی و ...) که محقق به دنبال کشف راهکارهایی و ایده‌هایی برای آن است به عنوان «وارد کننده ایده» محسوب می‌شوند.

۳-۵- تعیین فرآیندی برای واکاوی ابژه

چون نیت پژوهش دلالت پژوهی یا ترسیم دلالت‌های ایده‌های کلیدی یک فلسفه، چارچوب، نظریه یا مدل برای رشته متقاضی است، شناسایی و تعیین یک فرآیند موقتی اولیه در مطالعه دلالت پژوهی ضروری است. ممکن است فرآیند در حین مطالعه شما تغییر کند ولی تصویری فرآیندی از مراحل پژوهش نیاز دارید. این فرآیند می‌بایست به‌طور طبیعی از مسئله پژوهش و سؤال‌هایی که در پی پاسخ به آن هستید تا دلالت‌های اعتبارسنجی شده باشد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵).



در پژوهش‌های مدیریتی قرآنی؛ فرایند کشف دلالت‌ها بدین ترتیب است که ابتدا پس از مطالعه ادبیات، سؤالات و چالش‌ها کشف می‌شود، در مرحله بعد بر اساس این چالش‌ها به محضر قرآن مشرف شده و سعی می‌کنیم دلالت‌هایی را بر اساس پرسش‌های مطرح‌شده (و یا خارج از پرسش‌های مطرح‌شده) استخراج کنیم؛ به عبارت بهتر باید گفت که در پژوهش‌های مدیریتی قرآنی ابتدا محقق باید پس از مطالعه ادبیات در حوزه تخصصی خود (مثلاً تعامل مردم با حکومت) چالش‌های آن را از متون استخراج کرده و در گام بعدی برای حل این چالش‌ها و پاسخ به سؤالات احصا شده‌ای که ادبیات مورد نظر، پاسخی قانع‌کننده برای آن ندارد؛ به محضر قرآن مشرف شود؛ در واقع باید گفت که مطالعات مدیریتی قرآنی بر اساس روش دلالت‌پژوهی، بر منطق استنتاج از قرآن استوار بوده و محقق باید برای پاسخ به سؤالات خود؛ از قرآن کمک بگیرد؛ البته باید تاکید کرد که استنتاج از قرآن در این پژوهش‌ها بر درجه فهم قرآن محقق نیز بستگی داشته و توصیه می‌شود محققانی که دانش قرآنی اندکی دارند، برای استنتاج از قرآن از متخصصان این حوزه و تفاسیر کمک بگیرند.^۳

در باب استنتاج از قرآن باید گفت که امروزه از «استنتاج» (سخن برآوردن از متن) -مانند متون دینی مقدس در غرب و متن قرآن در اسلام- به عنوان یکی از سطوح هرمنوتیک (فن تفسیر و فهم معنا یا معانی متن) یاد می‌شود. در «استنتاج»، تفسیر و تاویل، با معانی پنهان، ضمنی و مبهم متن سروکار دارد. متن در این حالت، قابلیت‌هایی دارد که آشکار نیست و در شرایط معینی آشکار می‌شود. معنی در استنتاج نیز مانند «نطق»، مولف-محور است و تنها در شرایط معینی آشکار می‌شود؛ و تنها تفاوت آن با «نطق» این است که در اینجا سخن را باید از متن بیرون آورد. شرایطی که قابلیت متن را آشکار می‌کند، سوال‌های جدیدی است که در برابر متن قرار گرفته و پاسخ می‌طلبد. از این‌رو، در استنتاج، سوال از خواننده‌ی متن و جواب از متن است. وجه استنتاج این است که یک متن، ممکن است با سپری شدن زمان و پیدا شدن شرایط زمانی و فرهنگی جدید، در برابر سوال‌های جدیدی قرار گیرد که در زمان تدوین مطرح نبوده است. این‌گونه سؤالات، در متن مطرح نیستند اما ممکن است متن به طور بالقوه، پاسخی برای آنها داشته باشد (صفری و همکاران، ۱۳۸۹)؛ در مطالعات مدیریتی قرآنی نیز سعی داریم سؤالاتی را که قبلاً (در زمان صدر اسلام و نزول قرآن) در حوزه حکمرانی مطرح نبوده‌اند را از قرآن سوال کرده و پاسخ قرآن به آن را جویا شویم؛ به عبارت بهتر چون قرآن لا زمان و لامکان بوده و به تعبیر حضرت علی (ع) «علم گذشته و علم آینده، تا روز قیامت و حکم آنچه میان شماست و بیان آنچه در باره‌اش اختلاف دارید، در قرآن هست. و اگر درباره آن از من بپرسید، به شما خواهیم آموخت» (کلینی، ۱۳۶۵) و از طرف دیگر ایشان در جایی دیگر نیز می‌فرمایند: «این قرآن است، آن را استنتاج کنید و (قرآن) هرگز برای شما سخن نمی‌گوید» (سیدرضی، ۲۲۳)؛ می‌توان نتیجه گرفت که با استنتاج قرآن می‌توان به چالش‌ها و سؤالات علمی در هر حوزه را در عصر حاضر، پاسخ داد؛ بنابراین برای مطالعات مدیریتی قرآنی و کشف

^۲ استنتاج قرآن یعنی طرح پرسش در پیشگاه قرآن و طلب نطق و پاسخ از آن. این تعبیر نخستین بار توسط امام علی (ع) مطرح گردیده است. عالمان دینی آن را بر تفسیر قرآن به قرآن، تاویل، تفسیر موضوعی و استنباط از قرآن اطلاق کرده‌اند که هر یک، بعدی از ابعاد استنتاج را دربرمی‌گیرد. استنتاج قرآن، دارای مبانی محکم و روشنی مانند جامعیت قرآن، جاودانگی قرآن و نظام‌مندی قرآن است (صفری و همکاران، ۱۳۸۹)

^۳ به عنوان مثال باید گفت که محقق در رساله دکتری خود که از روش دلالت‌پژوهی استفاده کرده بود تفسیر المیزان را مبنای درک بهتر خود از قرآن قرار داده و برای درک بهتر تفسیر المیزان نیز از متخصصان این حوزه کمک گرفت.



دلالت‌های قرآن در حوزه‌های مختلف مدیریت باید سوالات و چالش‌های این حوزه را به محضر قرآن آورده و پاسخ آنها را کشف کنیم.

۴-۵- تعیین چارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهی

نخستین سؤالی که برای پژوهشگر دلالت‌یاب مطرح می‌شود آن است که دلالت‌های ایده‌های کلیدی بر چه موضوعاتی است. به عبارت دیگر وقتی گفته می‌شود دلالت‌های رئالیسم انتقادی برای خطمشی‌گذاری علم، فناوری و نوآوری منظور چیست؟ دلالت‌ها برای چه عناصری از خطمشی‌گذاری؟ در چنین حالتی پژوهشگر پنج مسیر انتخابی در پیش دارد:

- **رویکرد نظام‌مند:** در این رویکرد پژوهشگر پیشاپیش چارچوب مفهومی‌ای برای استقراض ایده‌های قرض‌دهنده تدوین می‌کند و از قرض‌دهنده دلالت‌های مناسب هر عنصر چارچوب مفهومی را احصا می‌کند. برای مثال در مثال دلالت‌های رئالیسم انتقادی پژوهشگر چرخه خطمشی‌گذاری عمومی (شناخت مسئله، دستورکارگذاری، فرموله کردن، اجرا، ارزشیابی، تغییر و خاتمه خطمشی) را انتخاب و از رئالیسم انتقادی می‌پرسد برای هر کدام از عناصر چه حرفی دارد؟ از کلیه ایده‌های کلیدی رئالیسم انتقادی دلالت‌هایی برای تک‌تک عناصر احصا می‌کند.

- **رویکرد برایشی:** در این رویکرد به قرض‌دهنده اجازه می‌دهیم دلالت‌های مترتب بر موضوع مورد بحث ما را بدون یک چارچوب مفهومی از پیش تعریف‌شده شکل دهد. به عبارت دیگر دلالت‌ها موضوع و عناصر موضوع ما را به صورت برایشی آدرس می‌دهد. بنابراین در پایان ممکن است گزاره‌های دلالتی متعددی احصا شود که لزوماً مبنی بر چارچوب مفهومی از پیش تعیین شده نیستند.

- **رویکرد لنز نظری:** پژوهشگر نوعی نگاه نظری به موضوع مطالعاتی منتخب خود دارد و در پرتو آن دلالت‌های احصایی را در جدول مندلیف نظری خود قرار می‌دهد.

- **رویکرد تلفیقی:** پژوهشگر ممکن است مجهز به نوعی لنز نظری و یک چارچوب مفهومی باشد ولی اجازه دهد سهمیاری‌ها و دلالت‌ها به صورت برایشی ظهور کنند؛ خواه با لنز نظری و چارچوب مفهومی وی مطابقت داشته باشند، خواه نداشته باشند. ممکن است برخی از سؤال‌ها پاسخ داده نشود یا سؤال‌های جدیدی اضافه شود.

- **رویکرد تقدم شناسایی سهم‌یاری‌ها و ایده‌ها بر چارچوب مفهومی:** ممکن است پس از شناسایی ایده‌های کلیدی و اطمینان از ظرفیت آن‌ها مقصد دلالت‌ها را مشخص کند. در این حالت چارچوب مفهومی از پیش تعیین شده وجود ندارد ولی در مرحله بعد از شناسایی ایده‌های کلیدی ممکن است ظهور کند. درعین حال جامعیت چارچوب مفهومی بستگی به غنی بودن کمی و کیفی ایده‌های کلیدی احصایی دارد. (دانایی فرد، ۱۳۹۵).

در پژوهش‌های مدیریتی قرآنی بهتر است از رویکرد تلفیقی استفاده شود بدین‌منظور که محقق ابتدا با مطالعه ادبیات حوزه مورد نظر چارچوبی اولیه و ابتدایی برای خود لحاظ کرده و با این چارچوب به محضر قرآن مشرف شود؛ اما در مرحله کدگذاری و مفهوم‌پردازی و کشف دلالت‌ها، دلالت‌های جدید (خارج) از چارچوب نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. در واقع در مرحله اول و به خاطر عدم سردرگمی در قرآن باید چارچوب نظری داشته باشیم اما در مراحل نباید خود را تنها مقید به



چارچوب نظری کنیم؛ به عبارت بهتر باید گفت که روش تلفیقی برای مطالعات مدیریتی قرآنی مناسب‌تر است، چرا که اولاً به پژوهشگر یک چارچوب کلی برای تشریح به قرآن داده و او را از سردرگمی در مطالعات قرآنی رها می‌کند؛ ثانیاً در این رویکرد پژوهشگر خود را ملزم صددرصدی به چارچوب از پیش تعیین شده ندانسته و اجازه ابتکار عمل به پژوهشگر داده می‌شود که تنها در چارچوب قبلی تعیین شده به مطالعه و قور در قرآن پرداخته و خلاقانه از قرآن در حوزه مورد نظر ایده بگیرد.

۵-۵- انجام نمونه‌گیری نظری ابژه دلالت پژوهی

نکته کلیدی در گردآوری داده‌ها در روش‌شناسی دلالت پژوهی، گردآوری اطلاعاتی است که می‌تواند به شما کمک کند، دلالت‌های مورد جستجو را شکل دهد. اگرچه نظریه‌پردازان و پژوهشگران دلالت پژوهی می‌توانند از انواع متعددی از داده‌ها استفاده کنند (برای مثال مصاحبه، بررسی متون و ...) اما بسیاری از پژوهشگران برای استخراج دلالت‌ها به بهترین وجه به متون تحریر شده اتکا می‌کنند. یکی از مختصات پژوهش دلالت پژوهی این است که پژوهشگر بیش از یک‌بار به گردآوری داده‌ها می‌پردازد زیرا مرتباً برای گردآوری اطلاعات بیشتر و غنی‌تر به مآخذ داده‌ای خود برمی‌گردد. بنابراین موعد زمانی دقیقی برای این فرآیند وجود ندارد و پژوهشگران تا وقتی دلالت‌های خود را به‌طور کامل و جامع احصا نکنند به گردآوری داده‌ها ادامه می‌دهند. از این‌رو نمونه‌گیری متون‌های مورد استفاده صیغه نظری دارد. به‌رحال، هر پژوهشگری که متن یا مصاحبه را ابزار کسب دلالت‌های خود انتخاب می‌کند، بی‌تردید دست به نمونه‌گیری می‌زند ولی ممکن است از ذکر واژه نمونه‌گیری اجتناب کند. بی‌تردید نمونه‌گیری در این قبیل پژوهش‌ها مانند سایر پژوهش‌های کیفی هدفمند است، یعنی پژوهشگر دنبال تعمیم‌پذیری آماری متداول در پژوهش‌های کمی نیست. از این‌رو متن یا مصاحبه‌ای انتخاب می‌کند که به تئوریزه کردن دلالت‌های مورد نظر کمک کند (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵). در پژوهش‌های مدیریتی قرآنی نمونه انتخاب‌شده قرآن کریم بوده و پژوهشگر بر اساس درجه شناخت به متون قرآنی باید به تفاسیر و متخصصان قرآنی رجوع کند؛ به عبارت بهتر باید گفت نمونه انتخابی اصلی در پژوهش‌های مدیریتی قرآنی متن نورانی قرآن است؛ اما توصیه می‌شود پژوهشگران برای درک بهتر قرآن و احصای دلالت‌های دقیق‌تر، بر اساس حوزه انتخابی پژوهش خود و درجه شناخت معارف قرآنی که در خود سراغ دارند؛ به تفاسیر متنوع قرآن رجوع کرده و از متخصصان حوزه علوم قرآنی و تفسیر مدد جویند. به‌طور مثال باید گفت که نگارنده در رساله دکتر خویش مبنای تفسیری خود را تفسیر شریف المیزان قرار داد اما به‌صورت مکرر به مطالعه قرآن نیز پرداخته بود، بدین منظور که نگارنده سه بار کل قرآن را به‌طور کامل مطالعه کرد؛ در مرحله اول تنها به تدبر و خواندن قرآن پرداخته و آیات مرتبط با موضوع را استخراج کرده است؛ در مرحله دوم مجدد به محضر قرآن مشرف شده و ضمن تدبر در قرآن به مطالعه تفسیر شریف المیزان پرداخته و بر اساس آن به کدگذاری و مفهوم‌پردازی آیات پرداخته است؛ در مرحله سوم نیز مجدد به مطالعه و تدبر قرآن پرداخته تا بار دیگر به‌صورت جامع‌تر و با دیدی بازتر (پس از احصای کدها و دلالت‌ها و ایجاد نگرشی در پژوهشگر درباره موضوع بر اساس قرآن) مجدد دلالت‌های مرتبط با موضوع بررسی شده تا اگر در مراحل پیشین دلالتی از نظر دور مانده است مجدد کشف شود.



۶-۵- احصای سهمیاری‌های ابژه دلالتی

سؤال کلیدی مهم در پژوهش‌های دلالت پژوهی آن است که این رشته، این فلسفه، این چارچوب، این نظریه، این مدل، یا این ایده قدیمی یا جدید «چه پیامی برای حوزه مطالعاتی ما یا موضوعی خاص درون حوزه مطالعاتی ما دارد؟» برای مثال یک پژوهشگر سازمانی ممکن است این سؤال را مطرح کند که نگاه پست‌مدرن چه رهنمودها یا دلالت‌هایی برای حوزه مطالعات سازمانی دارد؟ پژوهشگر سازمانی باید نگاه پست‌مدرن را به‌خوبی بداند تا بتواند از آن نگاه، ایده‌های دلالتی را احصا کند. در این راه پژوهشگر سازمانی ممکن است مآخذ دست‌اول را مورد مطالعه قرار دهد و در پایان نوعی چارچوب مفهومی از ایده‌های پست‌مدرن احصا کند. برای مثال بر این نتیجه تأمل شود که پست‌مدرن در سه محور مهم (۱) ماهیت واقعیت (۲) ماهیت دانش (۳) ماهیت هویت اظهار نظر کرده است. پژوهشگر سازمانی‌ای که از مآخذ دست‌دوم استفاده می‌کند ممکن است با تعیین مقاله‌ها و کتب دست‌دوم که به‌طور خاص به پیوند پست‌مدرنیست و مطالعات سازمانی پرداخته‌اند نسبت به احصای سهمیاری‌ها اقدام کند. در نوع اول پژوهشگر ممکن است از طریق دسته‌بندی یادداشت‌های ضمن مطالعه یک یا چند سهمیاری را احصا کند ولی ممکن است هم به‌صورت نظام‌مند دست به این اقدام (فرآیند کدگذاری دقیق) نزند و صرفاً بعد از مطالعه متن چند سهمیاری را که به نظر بارزیت مفهومی دارند فهرست کند و ادامه فرآیند پژوهش را بر آن اعمال کند. در نوع دوم پژوهشگر ممکن است نکات کلیدی یا سهمیاری‌های مورد اشاره در مقاله‌های منتخب را فهرست و با سرند آن‌ها همپوشانی‌ها را حذف و چند سهمیاری اصلی را احصا و ادامه پژوهش دلالتی را بر آن‌ها اعمال کند. درعین‌حال، وظیفه کسانی که برای نخستین بار قصد دارند سهمیاری‌ها را در متونی کلاسیک احصا کنند نسبت به سایر پژوهشگرانی که به متون دست‌دوم مراجعه می‌کنند بسیار دشوارتر است. کسی که می‌خواهد سهمیاری قرآن و نهج‌البلاغه را مشخص کند، با کارویژه‌ای بسیار دشوار مواجه است. قرآن در مورد پدیده‌های بسیار متنوعی سخن گفته است و علی‌علیه‌السلام در نهج‌البلاغه خودمخوهرای بسیار متنوع و درعین‌حال پیچیده‌ای را ذکر کرده‌اند ولی قرآن‌شناسان و عالمان نهج‌البلاغه توانایی احصای سهمیاری این دو مآخذ که یکی کلام خداست و دیگری کلام معصوم در چندین جلد دارند. درواقع وظیفه اصلی عالمان برگیری دانش‌های نهفته از این مآخذ غنی است تا سایرین بتوانند از قبل تلاش‌های آن‌ها، رشته‌های مضاف را از دلالت‌های سهمیاری‌های مورد اشاره آن‌ها تجهیز کنند و بدین طریق به رشد دانش بشری کمک کنند. اگرچه قرآن کتابی است با حجمی مشخص و تعداد آیه مشخص، اما کتب و آثاری که در پرتو آن توسط مسلمانان به رشته تحریر درآمده، شاید به شمارش نیاید و کسی نتواند تعداد دقیق آن‌ها را مشخص کند. این گستره تجلی پژوهشی به نام دلالت پژوهی است. نکته آخر این که سهمیاری‌های احصایی ممکن است در قالب گزاره‌هایی یا در قالب عباراتی ارائه شود. پژوهشگر باید تعریف مآخذ اصلی یا فرعی از آن سهمیاری‌ها را در قالب یک یا چند پاراگراف عرضه کند تا بتواند در پرتو آن دلالت‌های مدنظر خود را احصا کند (دانایی- فرد، ۱۳۹۵).

در پژوهش‌های مدیریتی قرآنی از متن قرآن کریم به‌عنوان اصلی‌ترین و دست‌اول‌ترین منبع استفاده می‌شود اما از آنجاکه قرآن بسیار عمیق بوده و فهم دقیق آن نیازمند دانشی تخصصی است، توصیه می‌شود پژوهشگران از تفاسیر



متنوع قرآنی استفاده کرده و از متخصصان حوزه علوم قرآنی و تفسیر مدد جویند؛ به عبارت بهتر باید گفت که پژوهش‌های مدیریتی قرآنی پژوهش‌هایی میان‌رشته‌ای هستند که باید متخصصان حوزه‌های مختلف مدیریت (مدیریت منابع انسانی، مدیریت دانش، اداره امور عمومی و ...) با متخصصان علوم قرآنی و تفسیر به طور مشترک به آن پرداخته و دلالت‌های مدیریتی را از قرآن احصا کنند.

۷-۵- اعتبارسنجی سهمیاری‌های ابژه دلالت پژوهی

برای کسانی که دانشمند یک حوزه تخصصی هستند و در آن حوزه آثاری عرضه کرده‌اند اعتبارسنجی‌های آن‌ها به اعتبار علمی آن دانشمند است و در گذر زمان جامعه علمی در مورد سهمیاری وی اظهار نظر می‌کند. بی‌تردید تعداد استنادهایی که به سهمیاری مورد اشاره آن دانشمند در آثار مختلف شده است مؤید اعتبار آن سهمیاری است. سهمیاری‌های وی صبغه اجتهادی آن دانشمند را دارد و اعتبار پایه‌ای آن‌ها به استدلال‌های عقبه آن سهمیاری متکی است. کسی که به استنادات قرآنی و روایی سهمیاری‌ها و نکات کلیدی یک سوره از قرآن را احصا می‌کند و به صورت موضوعی آن را ترسیم می‌کند، اعتبار آن سهمیاری‌ها به استنادات عقبه هر سهمیاری بستگی دارد. اما پژوهشگر مبتدی یا پژوهشگری که دوست دارد رویه نظام‌مندی را برای انتخاب سهمیاری‌ها انتخاب کند، ممکن است مسیر دیگری را دنبال کند. بر این اساس، پژوهشگر ممکن است:

- آثار دست‌اول را مطالعه و میزان فراوانی استعمال "محور یا موضوع" را معیار اعتبار یک سهمیاری بداند و با توجه به حجم کار دست به انتخاب بزند.
 - آثار دست‌دوم را مطالعه کند و تعدد استنادات به هر سهمیاری را معیار اعتبار آن سهمیاری بداند و با توجه به حجم کار دست به انتخاب بزند.
 - با مطالعه آثار دست‌اول فهرستی از سهمیاری را احصا و با اتکا به نظر خبرگان آثار دست‌اول اعتبار آن‌ها را تعیین کند.
 - در برخی از موارد ایده‌ها یا نکات کلیدی رشته یا مآخذ قرض‌دهنده در جامعه علمی همواره تکرار و مورد بحث قرار گرفته است که تردیدی نسبت به آن‌ها وجود ندارد. در این قبیل موارد اعتبار سهمیاری‌ها به میزان شیوع آن‌ها در جامعه علمی بستگی دارد و در صورت پذیرش هیئت داوری پژوهش، اعتبار آن‌ها کفایت می‌کند (دانا، ۱۳۹۵).
- در پژوهش‌های مدیریتی قرآنی، توصیه می‌شود پژوهشگران برای درک بهتر قرآن به تفاسیر رجوع کرده و برای موضوع مورد نظر خود از قرآن سهم‌یاری احصا کند؛ البته برای اینکه پژوهشگر در مطالعه تفسیر قرآن سردرگم نشود، توصیه می‌شود که پژوهشگر با یک چارچوب نظری ابتدایی و یا دسته سوالات کلی به قرآن و تفسیر رجوع کرده و برای آن سوالات از قرآن سهم‌یاری احصا کند؛ به عنوان مثال باید گفت که نگارنده در رساله دکتری خویش با عنوان «دلالت‌های قرآنی تعامل مردم-حکومت»؛ پس از مطالعه اولیه قرآن به دسته‌بندی سهمیاری آن پرداخته و در هر سه حوزه مبانی، هدف و سازوکارها (که از ادبیات استخراج شده بودند) این سهمیاری را طبقه‌بندی کرده است، به عنوان مثال



سه‌م یاری‌ها در حوزه مبانی تعامل مردم و حکومت به ۱۰ دسته کلی (باور به توحید، باور به معاد، باور به تقدم جامعه به فرد و...) طبقه‌بندی شده که توسط استاد راهنما که تسلط به قرآن و مدیریت دولتی داشتند، تأیید شد.

۸-۵- متناسب‌سازی سهمیاری‌ها با چارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهی

اکنون که سهمیاری‌های مأخذ مورد استقراض مشخص شده است، در صورتی که پژوهشگر از مأخذ دریافت‌کننده استقراض چارچوبی مفهومی تعیین کرده است، باید نوعی انطباق بین آن دو صورت گیرد. برای مثال پژوهشگری سهمیاری‌های علم پیچیدگی را به شرح ذیل مشخص کرده است: (۱) برایش (۲) خودسازمان‌دهی (۳) لبه نظم در بی‌نظمی (۴) تعامل متقابل (۵) اصول مشترک... و اکنون قصد دارد این سهمیاری‌ها را در مورد عناصر چارچوب مفهومی خود (فرضاً چرخه خطامشی‌گذاری عمومی مشتمل بر درک مسئله، دستورکارگذاری، فرموله کردن خطامشی، اجرای خطامشی، ارزشیابی و تغییر خطامشی‌های عمومی) اعمال کند. در این مرحله پژوهشگر ممکن است جدولی طراحی کند و این پیوندها را به نمایش بگذارد. اما در این حالت رویکرد نظام‌مند متداول است. در این حالت چارچوب سهمیاری‌ها با چارچوب مفهومی منطبق می‌شود. گاهی اوقات رویکرد برایشی در پیش گرفته می‌شود. در این حالت چارچوب مفهومی از پیش تعیین شده‌ای وجود ندارد، پژوهشگر به داده‌ها اجازه می‌دهد به صورت برایشی دلالت‌های خود را نشان دهد. برای مثال پژوهشگر از قبل برای دلالت پژوهی از علم پیچیدگی، چرخه خطامشی عمومی (درک مسئله، دستورکارگذاری، فرموله کردن، اجرا، ارزشیابی، تغییر و خاتمه) را به عنوان چارچوب مفهومی انتخاب نمی‌کند بلکه تلاش می‌کند با تأمل بر سهمیاری‌ها، تعیین کند که برای چه جنبه‌هایی از خطامشی‌گذاری‌های دلالت خواهد داشت. در این حالت کلیت فرآیند خطامشی‌گذاری صرفاً چرخه خطامشی به عنوان تنها مدل نیست، بلکه خطامشی‌گذاری عمومی مدل‌ها و جوانب دیگری هم دارد. در عین حال ممکن است یک چارچوب مفهومی از قبل تعیین شده وجود داشته باشد ولی دلالت‌های احصایی کل عناصر چارچوب مفهومی را تحت پوشش قرار ندهد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵).

در پژوهش‌های مدیریتی قرآنی توصیه می‌شود که پژوهشگران یک چارچوب مفهومی کلی در نظر داشته باشند، اما خود را مقید به آن نکنند؛ بدین مفهوم که پژوهشگر برای اینکه در دریای عمیق قرآن غرق نشده و نظم و سیستماتیک بودن پژوهش از دست نرود؛ بهتر است ابتدا محقق یک چارچوب نظری کلی داشته باشد؛ و بعد به محضر قرآن مشرف شود؛ اما برای اینکه خلاقیت پژوهشی از بین نرفته و دچار التقاط نشویم، توصیه می‌شود که محقق خود را ملزم به رعایت دقیق چارچوب نکرده و از خلاقانه از قرآن دلالت دریافت کند؛ به عبارت بهتر در مطالعات مدیریتی قرآنی باید حرکت رفت و برگشتی از چارچوب نظری به قرآن و بالعکس را داشت تا این پژوهش‌ها هم نظم سیستماتیک خود را از دست نداده و هم خلاقیت پژوهشی را رعایت کند.

به عنوان مثال محقق در رساله دکتری خویش ابتدا در سه حوزه کلی مبانی تعامل مردم و حکومت، هدف تعامل مردم و حکومت و سازوکارهای تعامل مردم و حکومت به طبقه‌بندی سهم یاری‌ها پرداخت و برای هر حوزه سهم یاری مشخصی در نظر گرفت؛ اما خود را تنها به این طبقه‌بندی محدود نکند به طوری که گاه پژوهشگر از متن قرآن و تفسیر المیزان به سهم یاری جدیدی رسید، یعنی فرآیند انتخاب سهم یاری‌ها فرایندی رفت و برگشتی و دوطرفه بود به این



مفهوم که گاه خود متن قرآن و تفسیر سهم یاری جدیدی را برای پژوهشگر مشخص می‌کردند و گاه پژوهشگر بر اساس چارچوب نظری و طبقه‌بندی منتخب خود دلالت کشف می‌کرد.

۹-۵-۱ احصای دلالت‌های مورد نظر

در این مرحله پژوهشگر دلالت‌ها را تحریر می‌کند. احصای دلالت‌ها در دو حالت ممکن است انجام شود. دلالت‌هایی که نخستین بار توسط پژوهشگر احصا می‌شود و دلالت‌هایی که ممکن است به‌وسیله پژوهشگر قبض و بسط یا تدقیق شود. در حالت نخست ممکن است پژوهش دلالت پژوهی برای نخستین بار روی موضوعی خاص انجام شود. در این حالت همه دلالت‌های احصایی صبغه نوآوری دارد ولی بعضاً ممکن است تعدادی از پژوهش‌های دلالت پژوهی در مورد موضوعی انجام شده باشد، و پژوهشگر با گردآوری، جمع‌بندی، اصلاح یا بازنگری مجموعه‌ای از دلالت‌ها را احصا کند. ذکر چند نکته در مورد این مرحله ضروری است:

- احصای دلالت‌ها از مآخذ منتخب فعالیتی خطی و محاسباتی دقیق نیست؛
- احصای دلالت‌ها به خلاقیت ذهنی و مطالعات تفصیلی پژوهشگر از مآخذ قرض‌گیرنده (رشته) و مآخذ قرض‌دهنده دلالت‌هاست؛
- تنوع حوزه مطالعاتی پژوهشگر به غنای دلالت‌ها می‌افزاید؛
- استنادهای پژوهشگر درون‌متن دلالت‌ها به غنای دلالت‌ها می‌افزاید؛
- دلالت‌ها ممکن است به‌صورت گزاره‌ای مختصر یا پاراگراف‌های مفصل تنظیم شود؛
- دلالت‌ها را می‌توان سطح‌بندی کرد: دلالت‌های کلان، میانه و خرد؛
- پژوهشگر ممکن است نوعی تصویر یکپارچه در ارائه دلالت‌ها به‌صورت روایتی ارائه دهد؛
- هر چه پژوهشگر دلالت‌ها را واضح‌تر بیان کند، زمینه‌سازی کاربردی آن توسط وی و یا پژوهشگران آتی بیشتر خواهد شد؛
- در مورد حجم دلالت‌ها نمی‌توان درجه یا میزانی تعیین کرد ولی اگر دلالت‌ها از خاصیت جامعیت و مانعیت برخوردار باشد، استحکام بیشتری خواهند دانست؛
- ممکن است درون‌متن دلالت‌ها استناداتی انجام نشود، در این صورت عقلانیت روایتی دلالت‌ها حائز اهمیت است.

با این اوصاف هسته اصلی پژوهش‌های دلالت پژوهی در این مرحله نهفته است، زیرا مراحل پیشینی زمینه‌ساز انجام این مرحله است. قوت و قدرت پژوهش دلالت پژوهی در این مرحله نهفته است، بنابراین، پژوهشگر باید تلاش کند دلالت‌ها را به‌گونه‌ای جامع‌ومانع، شفاف و منطقی، روان و زیبا ترسیم کند. چون این مرحله نیاز به سیالیت ذهنی، توان پردازش، ذکاوت پیوند دادن سهمیاری‌ها و دلالت‌ها است. به نظر می‌رسد دلالت پژوهی قابل آموزش مستقیم نباشد زیرا بیشتر نوعی شم درونی است. اگرچه نمایش دادن آثار ارائه‌شده در این حوزه می‌تواند به پژوهشگرانی که ذهنی آماده شکوفایی دارد، یاری‌دهنده باشد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵).



در مطالعات قرآنی مدیریتی بسته به موضوعی که محقق قصد کشف دلالت‌های آن از قرآن را دارد، می‌توان از هر دو روش استفاده کرد؛ به عنوان مثال اگر محقق در حوزه‌ای که قبلاً تحقیقات قرآنی در آن انجام شده است (مثلاً ویژگی‌های رهبر از منظر قرآن) قصد دارد مجدد پژوهش انجام داده و دلالت‌های بیشتری کشف کند؛ می‌توان از رویکرد اول استفاده کرده و محقق برای تکمیل چارچوب نظری تحقق قرآنی پیشین دست به کشف دلالت زنده؛ اما اگر محقق قصد پژوهش در حوزه‌ای جدید را داشته باشد (مثلاً نحوه تعامل مردم با حکومت از منظر قرآن، دلالت‌های قرآنی خطامشی‌گذاری عمومی و ...)، استفاده از رویکرد دوم یعنی کشف دلالت‌ها به صورت نوظهور توصیه می‌شود. به عنوان مثال باید گفت که نگارنده در رساله دکتری خود که در حوزه «تعامل مردم و حکومت از منظر قرآن» بوده چون پژوهشی در این حوزه از منظر قرآن کریم صورت نگرفته بود، تگارنده به تدوین دلالت‌ها به صورت مستقیم پرداخت، این مرحله شاید از همان ابتدای مطالعه قرآن نیز در وی آغاز شده بود بدین مفهوم که پژوهشگر در طی فرایند مطالعه قرآن و تفسیر بارها به تدوین دلالت‌ها به صورت ذهنی پرداخته و دلالت‌های خود را در مسیر مطالعه اصلاح، حذف و تکمیل کرده بود.

۱۰-۵- اعتبارسنجی دلالت‌های احصایی

اعتبار دلالت‌های احصایی برای مقاله‌های ارسالی به فصلنامه علمی از طریق مرور همتا^۴ (داوران) تعیین می‌شود. منطق دلالت‌ها از یک طرف و استحکام استنادی دلالت‌ها می‌تواند در تعیین اعتبار دلالت‌ها بسیار تعیین‌کننده باشد. اما در پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای و رساله‌ای می‌توان دلالت‌هایی احصایی در معرض قضاوت تعداد بیشتری از خبرگان قرارداد. از این رو پژوهشگر می‌تواند با تعیین جدولی متشکل از سهمیاری‌ها (نکات کلیدی) و دلالت‌های احصایی میزان موافقت یا مخالفت خبرگان را و همین‌طور دلیل مخالفت‌ها را احصا کرده یا می‌تواند گزارش سهمیاری‌ها و دلالت‌ها به صورت روایتی نه جدولی در اختیار خبرگان قرار داده و از آن‌ها درخواست کند تا نظر کلی خود را اعلام کنند. در عین حال هر پژوهشگر به اتکا سنت وایک (۱۹۸۹) دلالت‌ها را بر اساس معیار پیش‌فرض‌های خود به بند نقد می‌کشد و تلاش می‌کند آنچه به عنوان دلالت‌ها ارائه می‌دهد موجه و مقبول باشد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵).

در پژوهش‌های مدیریتی قرآنی نیز توصیه می‌شود که محقق در نهایت دلالت‌های احصایی خود را به خبرگان دو حوزه مدیریت و علوم قرآنی و تفسیر، نشان داده و نظر آنها را در مورد دلالت‌ها جویا شود؛ البته اگر دلالت‌ها به خبرگانی که در هر دو حوزه قرآن و مدیریت اشراف داشته باشند، ارائه شود، اعتبار سنجی دلالت‌ها افزایش خواهد یافت؛ از آنجا که مطالعات مدیریتی قرآنی مطالعاتی میان‌رشته‌ای است توصیه می‌شود که این پژوهش‌ها توسط یک تیم پژوهشی که متشکل از خبرگان در هر دو حوزه مدیریت و قرآن باشند، انجام شود.

۱۱-۵- ارائه گزارش پژوهش

آخرین مرحله انجام پژوهش دلالت پژوهی، ارائه گزارش نهایی بوده و محقق باید دلالت‌های احصا شده و اعتباریابی شده خود را به صورت شیوا و روان گزارش کند؛ تا مطالعه آن برای خبرگان هر دو حوزه میسر و قابل فهم باشد.



۶-روایی و پایایی در پژوهش‌های دلالت پژوهی

روایی و پایایی سکه‌های رایج در بازار پژوهش کمی هستند و در پژوهش‌های کیفی به‌طور اعم و مطالعات هرمنوتیکی متنی‌مانند پژوهش‌های کمی متداول نیستند زیرا «افراد از یک پدیده ممکن است برداشت‌های متفاوتی داشته باشند» و تعمیم‌پذیری مدنظر پژوهشگران کمی در پژوهش‌های دلالتی چندان مدنظر نیست. درعین‌حال، در هرکدام از مراحل روش‌شناسی پژوهش‌های دلالتی دقت لازم برای تقریب به روایی و پایایی صورت می‌گیرد. در مرحله احصای سهمیاری‌ها میزان تکرار آن‌ها در متون مختلف و استنادات داده‌شده به آن‌ها می‌توان روایی و پایایی سهمیاری‌ها را تا حدی تضمین کند. در مورد سهمیاری‌هایی که برای نخستین بار احصا می‌شود، بررسی نظرات خبرگان می‌تواند به این امر کمک کند. در مرحله دلالت پژوهی نیز میزان استنادات درون متون دلالت‌های احصایی از یک‌طرف و بررسی نظرات خبرگان می‌تواند به این امر کمک کند (دانایی فرد، ۱۳۹۵).

جدول ۱- معیارهای ارزشیابی مطالعات دلالت پژوهی

شاخصه‌های کیفیت بالا	معیارهای کیفیت (عناصر کلیدی)
هر چه مآخذ دلالت پژوهی دارای عنصر فلسفی بیشتری باشد، ظرفیت بیشتری برای عرضه سهمیاری دارد.	۱- آیا مآخذ دلالت پژوهی دارای عنصر فلسفی است؟
هر چه مآخذ دلالت پژوهی دارای عنصر فلسفی بیشتری باشد خزانه دلالتی بیشتری در اختیار مآخذ دلالت‌گیر قرار خواهد داد.	۲- آیا روش‌های دلالت پژوهی مناسب این پژوهش بوده است؟
هر چه بین روش دلالت پژوهی با ابژه مطالعاتی خود تناسب برقرار باشد، پژوهش کیفیت بالاتری دارد.	۳- آیا فرآیند انجام پژوهش دلالت پژوهی واضح است؟
روش دلالت پژوهی صرفاً برای پژوهشگرانی که در پی استقراض از مآخذ رشته‌ای دیگر هستند مناسب است.	۴- آیا چارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهی مشخص است؟
هر چه فرآیند انجام پژوهش دلالت پژوهی واضح‌تر باشد، کیفیت پژوهش از منظر داوران بهتر ارزیابی خواهد شد.	۵- آیا نمونه‌گیری نظری و اثباتی انجام شده است؟
هر چه در پژوهش‌های دلالت پژوهی نظام‌مند، چارچوب مفهومی واضح‌تر و روشن‌تر باشد، کیفیت پژوهش از منظر داوران بهتر ارزیابی خواهد شد.	۶- آیا سهمیاری‌های احصایی جامع‌ومانع هستند؟
در پژوهش‌های دلالت پژوهی برایشی هر چه بین دلالت‌های برایشی و چارچوب‌های احصایی مفهومی برایشی پیوند کامل‌تری باشد، داوران کیفیت پژوهش را بهتر ارزیابی خواهند کرد.	۷- آیا سهمیاری‌ها اعتبارسنجی شده‌اند؟
هر چه مآخذ دلالتی معرف‌تری انتخاب شود، کیفیت پژوهش دلالتی بهتر ارزیابی خواهد شد.	
هر چه مآخذ دلالتی معرف‌تر باشد و پژوهشگر در احصای سهمیاری‌ها جامعیت و مانع را مدنظر قرار دهد، کیفیت پژوهش دلالتی بهتر ارزیابی خواهد شد.	
هر چه استنادها به سهمیاری‌ها بیشتر یا اجماع نظر خبرگان بیشتر باشد، کیفیت	



شاخصه‌های کیفیت بالا	معیارهای کیفیت (عناصر کلیدی)
سه‌مبیری‌ها بهتر ارزیابی خواهد شد.	
هر چه بین سه‌مبیری‌ها و چارچوب مفهومی پژوهشگر تناسب بیشتری باشد، پژوهش از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود.	۸- آیا بین سه‌مبیری‌ها و چارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهی تناسب وجود دارد؟
هر چه دلالت‌ها با سه‌مبیری‌ها متناسب‌تر و استدلال‌های قوی‌تری در خود داشته باشند، کیفیت بالاتری خواهند داشت.	۹- آیا چارچوب دلالت‌ها جامعیت و مانعیت دارد؟
هر چه دلالت‌ها مستندتر باشند و اجماع خبرگان بر سر آن‌ها بیشتر باشد کیفیت دلالت‌ها بهتر ارزیابی خواهد شد.	۱۰- آیا دلالت‌ها اعتبارسنجی شده‌اند؟

جدول ۲- ارزشیابی کلی مطالعات دلالت پژوهی

شاخصه‌های کیفیت بالا	معیارهای کیفیت (عناصر کلیدی)
هر چه مسئله پژوهش، سه‌مبیری‌ها، دلالت‌ها، نوعی استدلال منطقی و منسجم را شکل دهند، پژوهش جالب‌تر، مهم‌تر و معنادارتر خواهد بود.	۱- آیا گزارش نشان می‌دهد که پژوهش جامع‌و مانع است؟
هر چه پژوهش برانگیزاننده، روشن، جامع، مانع و قرائت آن ساده‌تر باشد، با کیفیت بالاتری ارزشیابی خواهد شد.	۲- آیا گزارش به خوبی تحریر شده است؟

۷- بحث و نتیجه‌گیری

زمانی که بحث تحول در علوم انسانی مطرح می‌شود، این گزاره به ذهن می‌رسد که تحول در علوم انسانی با تحول در متون پژوهش همراه است؛ به عبارت بهتر اگر قصد تحولی عظیم، عمیق و متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی ماند علوم انسانی را داریم باید در متون این علوم تحول ایجاد و بر مبنای منابع اصیل و عمیق اسلامی به پژوهش در این علوم بپردازیم؛ در واقع باید گفت که مهمترین (و تنهاترین) متون برای تحول علوم انسانی متون اصیل و عمیق اسلامی و بویژه قرآن است؛ چرا که دین اسلام به عنوان خاتم ادیان الهی، کاملترین و جامعترین دین و قرآن نیز کتابی بی نظیر می باشد، در مورد برتری و جامعیت قرآن حضرت علی (ع) می‌فرماید: «علم گذشته و علم آینده، تا روز قیامت و حکم آنچه میان شماست و بیان آنچه در باره‌اش اختلاف دارید، در قرآن هست. و اگر درباره آن از من بپرسید، به شما خواهیم آموخت» (کلینی، ۱۳۶۵).

علی رغم ضرورت و اهمیت متون اسلامی در ایجاد تحول در علوم انسانی، متاسفانه این متون در غربتی همیشگی قرار داشته و برخلاف تلاش‌های هر چند اندک و ظاهری هنوز هم استفاده این متون در علوم انسانی جایگاهی اندک دارد.



در باب روش پژوهش در قرآن کریم دیدگاه‌های متعددی وجود دارد؛ عده‌ای بر تیل انحصارگرایی در این حوزه کوفته و تاکید دارند که قرآن را جزء متخصص قرآنی درک نخواهد کرد و پژوهش‌های قرآنی نیز فقط در انحصار گروه خاصی است، در واقع از نظر این گروه تنها زمانی می‌توان دست به پژوهش‌های قرآنی زد که تا حدی شایسته به علم تفسیر و تدبر در قرآن آشنا بود؛ هر چند بر اساس این دیدگاه می‌توان به پژوهش‌های عمیق‌تر و اصیل‌تری رسید اما این سوال مهم مطرح می‌شود که اگر پژوهشگری قصد انجام پژوهش قرآنی داشته باشد باید چه گام‌هایی را طی کند؟، به عبارت بهتر آیا سیستمی تعریف شده است که بر اساس آن ابتدا به آموزش پژوهشگران پرداخته و پس ایجاد تسلط نسبی در آنها مسیر پژوهش قرآنی را برایشان باز کرده و به هدایت آنها پردازیم؟

عده ای دیگر باب استفاده از قرآن را به روی همگان گشوده دیده و عنوان می‌کنند که استفاده از قرآن روش خاصی ندارد و هر کس با هر توان و تخصصی به شرط خلوص و صداقت می‌تواند به صورت علمی و تخصصی از قرآن استفاده کند. این دیدگاه هر چند انحصارگرایی دیدگاه اول را نداشته و راه پژوهش قرآنی را بر همگان باز می‌بیند؛ اما این تردید در آن وجود دارد که چطور می‌توان به صحت و درستی این پژوهش‌ها ایمان داشت؟ به عبارت بهتر آیا ممکن است پژوهشگری بدون تسلط بر قرآن، بتواند به نظریه‌های جامع و اصیل قرآنی دست یابد؟

مسئله مهم دیگر که در باب پژوهش‌های قرآن (یعنی: استفاده از متون اسلامی برای ایجاد تحول در علوم انسانی و خلق نظریه‌هایی عمیق و راهگشا) مطرح است؛ روش استفاده از متون اسلامی به طور اعم و قرآن به طور اخص در حوزه پژوهش می‌باشد. در واقع این سوال مهم مطرح است که روش شناسی علوم انسانی اسلامی چیست؟ چطور می‌توان از قرآن برای حل مسائل علمی استفاده کرد؟

احتمال خلق پژوهش‌هایی کم عمق و ضعیف را زیاد خواهد کرد؛ یکی از روش‌هایی که تا حدی از این دیدگاه صفر و یکی روش‌شناسی پژوهش در علوم انسانی اسلامی فاصله داشته و راه را برای پژوهش‌های علوم انسانی قرآن بنیان تسهیل کرده است؛ روش دلالت پژوهشی می‌باشد؛ که سعی دارد رویکردی نظامند و اصولی را برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای ایجاد کند؛ در این مقاله نویسنده سعی کرده که کاربست این روش را در مطالعات مدیریتی قرآنی تشریح کند.

در راستای کاربرد روش دلالت‌پژوهی در مطالعات مدیریتی قرآنی باید گفت که با استفاده از این روش پژوهشگر می‌تواند دلالت‌های قرآنی را در حوزه‌های مختلف مدیریتی کشف کرده و به چالش‌های این حوزه‌ها را از منظر قرآن برطرف کند؛ البته توصیه می‌شود که این مطالعات توسط تیم پژوهشی که متشکل از متخصصان مدیریت و متخصصان علوم قرآنی و تفسیر بوده انجام شود تا مطالعات از کارایی و اثربخشی بیشتری برخوردار باشد.



منابع

۱. قرآن کریم
۲. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، "ترجمه و شرح نهج البلاغه"، تهران نشر فرهنگ اسلامی
۳. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۱)، "چیستی فلسفه علوم انسانی"، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، سال ۳، شماره ۱۲
۴. دانایی فرد، حسن (۱۳۹۵)، "روش‌شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا"، فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۸۶
۵. صفره، حسین، مجید معارف، منصور پهلوان (۱۳۸۳)، "استنطاق قرآن"، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۳، شماره ۱
۶. کلینی، محمدابن یعقوب (۱۳۶۵)، "الکافی"، تهران، دارالکتب الاسلامیه

